

### بعد از ۲ سال چه انتظاراتی دارید؟!

چیزی نمی‌فهمد چرا این دانش آموز؟  
 در درس می‌لنگد چرا این دانش آموز؟  
 شکلک درآورده است ناظم با زبانش  
 اما نمی‌خندد چرا این دانش آموز؟  
 یک ماسک داده مدرسه بندق به صورت  
 آن را به سر بندق چرا این دانش آموز؟  
 توی کلاسش مانده حتی رنگ تفریح  
 آخر نمی‌گندد چرا این دانش آموز؟  
 هر نیم ساعت چرت خود را باز کرده  
 گوید که call to dad چرا این دانش آموز؟  
 فهمید تا دیگر مجازی نیست، سر داد  
 یک ناله ممتد چرا این دانش آموز؟  
 گفتم کلاس چند هستی؟ گفت: آری  
 چیزی نمی‌فهمد چرا این دانش آموز؟



برگی ریخته از شاهنامه (۲)

### میوه‌های سمی بیابان زندگی

فردوسی در یک جلسه اضطراری حضوری، همه بزرگانان شاهنامه را فراخواند. کیکاوس و سودابه و همینه و رستم و اسفندیار و هرمز و دیگر والدین به جلسه اولیا آمدند. فردوسی سیاه‌های بیرون کشید و شروع به خواندن کرد:  
 بی بی‌شان خوانده‌ام، خوش‌شان آمده و انگشت شست بالا گرفته‌اند. املا گفته‌ام، کلمات پیش‌فرض کیبورد نگاشته‌اند. انشا خواسته‌ام، در لوح‌های‌شان گوگل کرده‌اند. حساب پرسیده‌ام گفته‌اند اینجا صدای نان نیامده بود ما نیاموختیم از نو بگو، لباس‌های‌شان از کمر به پایین شلوارک مامان دوز و بالا دستار و قبا است.

سپس فردوسی سیاهه را لوله کرد و رو به والدین گفت: ۲ سال و اندی این نوجوان باغ زندگی را به دست‌تان سپرده بودم. این میوه‌های سمی بیابان زندگی چیست که حال تحویلیم داده‌اید؟ والدین یک صدا گفتند: حاضر! او پس از ثبت حضور و غیاب‌شان از جلسه آفلاین شدند.  
 حکیم لوح به دست افق را نگاه کرد. سپس مجسمه این حالش را در میدان فردوسی نصب کردند.  
 (تکته: فریاد خفته در گلولی فردوسی همان خروش از خم چرخ چاچی بود)



### غیبت هوجاه!

در صورت دیده شد قیامت شده است  
 هیاهات که اول مصیبت شده است  
 باید برود کلاس، دانش آموز  
 پایان زمان استراحت شده است  
 کو بالمش و رختخواب؟ در فصل بهار  
 بیچاره اسیر میز و نیمکت شده است  
 دستش به کیبورد و موس و گوشی بوده  
 حق دارد اگر که چاق و بدخط شده است  
 چیزی که دو سال است مجازا خوانده  
 محدود به سرچ و لایبی و چت شده است  
 از هندسه و علوم حالش بد شد  
 مشغول موجهات غیبت شده است  
 نومیذ ز امراض کوویدش کردید  
 حالا که مریض ترک عادت شده است!

### ضمیمه طنز راه راه تازی از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: فیروزه کوهانی  
 دبیر سرویس شعر: صامره حبیبی  
 دبیر سرویس کارتون و فنی:  
 سید محمدجواد طاهری

راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir  
 ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

# پروژه‌های مدرسه بوی ماه می‌رسد



بخشنامه ارتقای جذابیت آموزش حضوری

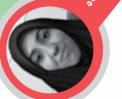
### طعم آزادی را بچش

با عنایت به مقاومت برخی دانش‌آموزان از حضور در مدارس، لازم است جهت جذاب‌سازی فضای مدرسه و ترغیب دانش‌آموزان و خانواده‌ها به آموزش حضوری، اقدامات زیر در دستور کار مدارس قرار گیرد:  
 ۱. هماهنگی با صدا و سیما جهت حضور خبرنگاران در مدارس و تهیه گزارش از فضای شاد و روحیه باشاد دانش‌آموزان حاضر در مدرسه. مدارس اجازه دارند جهت ترغیب دانش‌آموزان به انجام مصاحبه و تعریف و تمجید از فضای مدرسه، تا سقف ۲ نمره تشویقی برای آنها در نظر بگیرند. در صورت عدم همکاری دانش‌آموزان در تهیه گزارش شاد از جو مدرسه، نسبت به کسر حداقل ۸ نمره از افراد خاطی اقدام شود.  
 ۲. با توجه به شلوغی کلاس‌ها، برای رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی و نیز رفع نگرانی خانواده‌ها و دانش‌آموزان نسبت به بیماری منحوس کرونا، ماسک‌های رنگارنگ و منقش به نگارگری‌های ایرانی بین دانش‌آموزان توزیع گردد. البته برای حفظ شأن مدارس، از توزیع ماسک‌های دارای رنگ جیغ و جلف خودداری شود.  
 ۳. برای افزایش جذابیت فضای مدرسه، موقتاً و تا اطلاع ثانوی به دانش‌آموزان اجازه داده شود همراه خود، گوشی موبایل به مدرسه بیاورند. البته گوشی دانش‌آموزان باید از آن مدل‌های قدیمی دکمه‌ای بوده و صفحه نمایش آن نیز سیاه و سفید باشد. همچنین در تمام لحظات حضور در مدرسه، گوشی‌ها باید خاموش باشد. در صورت هرگونه تخلف از موارد مذکور، گوشی فرد خاطی ضبط شده و تا پایان سال تحصیلی به وی مسترد نگردد؛ در هر صورت مدرسه خانه خاله نیست.  
 ۴. جهت تزیین شادی و نشاط در کلاس‌ها و کاهش استرس دانش‌آموزان از ترس ابتلا به کرونا، معلمان موظفند نسبت به فرآیند لطفیه‌های خنده‌دار، جدید و البته سالم اقدام نموده و در هر کلاس سه الی پنج عدد لطفیه برای دانش‌آموزان تعریف نمایند. ملاحظاتی که بر عهده معلمان است، اما لطفیه‌های آموزنده مآل‌نصرالذین و حکایت‌های پندآموز بهلول نیز پیشنهاد می‌گردد. دانش‌آموزانی که به لطفیه‌های مذکور نخندند و مانع تزیین نشاط در کلاس شوند، تا سقف ۳ نمره از انضباط آنان کسر خواهد شد.  
 لازم به ذکر است موارد مذکور تشویقی و موقت هستند و اگر تا یک هفته بعد از ابلاغ این بخشنامه، دانش‌آموزان همچنان از حضور در مدرسه امتناع ورزند، روش‌های تنبیهی همچون کسر نمره، احضار والدین و حتی اخراج در موردشان اعمال خواهد شد.



### زنگ تفریح

مژده! چرا مدرسه‌ها وا شده  
 بگیم دوباره سویه پیدا شده؟  
 خوابیده بودم تا دیروز لنگ ظهر  
 دیگه برام خواب خود رویا شده  
 این روزا اونقد خونه‌مون شلوغ بود  
 نفهمیدم چطوری فردا شده  
 داداش کوچیکم میگه این کتابات  
 مثل به قایق توی دریا شده  
 این درسا رو کی داده بود معلم  
 زیر فشارش کمرم تا شده  
 همه چی با این کرونا بهم ریخت  
 ایخوری رفته تو کمد جا شده!  
 مژده! چرا مدرسه رو نیستن  
 اوه اونجا رو انگاری دعوا شده  
 مهسا داره موی کیو می‌کشه  
 چرا صدانش شبیه غولا شده  
 گره زده ماتو شو به مقعدهش  
 تو ماسکشم پر پیغیلا شده  
 من لای هیچ کتابیو ندیدم  
 وقت دعا برای املا شده  
 خشکه زده زبون روزه‌دارم  
 دهن نگو، خشکی صحرا شده  
 راستی تو هم سحری خوردی مژده!  
 رنگت مٹ گربه رعنا شده  
 گربه رعنا دیگه، عین برفه  
 قشنگ‌ترین گربه دنیا شده  
 به چیزایی تو دقترم نوشتم  
 بزنی بریم که زنگ انشا شده



زبان سبزه زار

### حالا چرا این موقع؟

سرای مدرسه و بحث علم و طاق و رواق  
 چه سود چون دل دانا و چشم بینا نیست

ای صاحب فال!  
 به تازگی تصمیمی بکھویی گرفته و صدای خیلی‌ها را در آورده‌ای! ما که با هم تعارف نداریم، الان وقتش نبود. گذاشتی درست بعد از تعطیلات عید و اول ماه رمضان این تصمیم را اتخاذ نمودی! با خودت گفتی که این دانش‌آموزان و دانشجویان آمادگی حضور در کلاس حضوری را ندارند. دانش‌آموزی که دو سال از زیر لحاف سر کلاس‌هایش حاضر می‌شد و به بهانه سرعت پایین اینترنت و قطع و وصل شدن صدای معلم از زیر درس جواب دادن مثل کش تنبان در می‌رفت، دانشجویی که جواب سوالات امتحان را از گروه بدون استاد کپی می‌کرد، چگونه این سرای مجازی را بگذارد و بگذرد؟ (چشم بینا هم ندارند و خواب‌شان می‌آید)  
 خودت ما را به شاخه نبات قسم دادی و بعد از کلیک روی موشواره لپ‌تاپ، این فال را مجازی گرفتی! آن وقت انتظار داری دانش‌آموزان و دانشجویان با دهان روزه و در کلاس‌های چهل نفری حضور به هم رسانند. خوب خودت هم می‌امدی شیراز و سر قمربان فالت را می‌گرفتی! نگفتی تعداد بچه‌ها زیاد است کرونا می‌گیرند!  
 ای صاحب فال! بدان و آگاه باش!



### علامه مجازی

تمام دلخوشی او رسیده به پایان  
 دوباره آمده بوی گنج ادیبستان  
 تمام ایل و تبارش نشسته، زین گوشی  
 شود پدیده و آید برون، ابوریحان  
 مدیر یک چنل، اما ببیندش مادر  
 نشسته جای رئیسی توی بهارستان  
 چه روزگار طلایی که بر مرادش بور  
 چپیده توی موبایل و چتیده با جانان  
 پر از نگاه پلنگی شده موبایل او  
 برای جنگل عشقش شده چو جنگلیان  
 رسیده آخر ترم و زده مخ او را  
 کشیده نقشه عقد و شب حنابندان  
 نگار من که به مکتب نرفت و خط نوشت  
 به راحتی شده علامه مجازستان  
 دو سال بوده مدیر گروه، همچون خان  
 درست مثل خطاهای تایپی خر خان!